

صورت ذهنی سازمان

سازمانها در زندگی انسان امروزی نقش بنیادین دارند به گونه‌ای که می‌توان گفت انسان در مجموعه‌ای از سازمانها زندگی می‌کند؛ ولی آنچه قابل توجه است این نکته است که این سازمانها به سادگی قابل دیدن نیستند و آنچه دیده می‌شود ابعاد بیرونی آنهاست مانند ساختمان، محصول، امکانات و تجهیزات یا رفتارهای کارکنان و مسئولان آن. موجودیت کلی سازمان مبهم و مجرد است و ممکن است میان چندین محل پراکنده باشد. با وجود این آدمی می‌داند که سازمان وجود دارد زیرا هر روز با تعدادی از آنها سروکار دارد و وجود آنها نیز چنان برجسته است که شکی برای کسی باقی نمی‌گذارد.

یکی از دیدگاه‌های مربوط به سازمان دیدگاه مارکسیستی است. این دیدگاه سازمان را به عنوان ابزار سلطه ترسیم می‌نماید. زیرا مبنای نظریه مارکسیستی ایجاد بی‌نظمی است و از این رو ضد علم اداره بشمار می‌رود. مارکسیستها، اداره کنندگان را استثمارگر می‌دانستند و کارکنان را استثمارشدگانی که نفع و ضرر خود را تشخیص نمی‌دهند. به زعم آنان سازمانها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند برای دستیابی به هدفهای غایی استثمارگران حداکثر استفاده و بهره‌مندی از کارکنان و از منابع طبیعی را از آن خود سازند و این بهره‌مندی بدون توجه به عوارضی است که بر جای خواهند گذاشت که از آن جمله است آلودگی هوا، آلودگی محیط زیست و غیره. از سوی دیگر سازمانهای چند ملیتی نیز در جهت سلب مالکیت از زمین و منابع زیرزمینی در کشورهای در حال توسعه هستند و روش زندگی سنتی آنان را دگرگون می‌سازند و حوادث و سوانح صنعتی خود را برای این کشورها به ارمغان می‌برند.

وقتی که این تصویر اغراق‌آمیز از سازمان ذهن کسی را پر کرد آن شخص همه چیز را از ورای چنین تصویری تحلیل می‌نماید. در حالی که تاکنون جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، نهادی را نیافته‌اند که بدون داشتن سلسله مراتب مدیریتی، پایدار مانده باشد. از سوی دیگر بسیاری از صاحب‌نظران علت موفقیت و شکست نهادها را در تفاوت مدیریت آنها می‌دانند و مدیریت سازمان را عضو حیاتبخش آن بشمار می‌آورند.

از سوی دیگر هنگامی که این آدمها به طور عمیق گرفتار گروه منسجمی بشوند که اعضای آن برای بدست آوردن وحدت نظر تلاش می‌نمایند دچار پدیده «گروه اندیشی» خواهند شد و انگیزه ارزیابی واقعی گزینه‌های گوناگون را از دست خواهند داد. در واقع «گروه اندیشی» حکایت از انحراف در کارآیی ذهنی، بررسی و درک واقعیت و قضاوت اخلاقی دارد که ناشی از فشار درون‌گروهی است.

«گروه اندیشی» آثار چندی به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به «تلقی ضربه ناپذیری گروه» اشاره کرد که



این نیز پندار نادرستی است که خوش بینی و مخاطره پذیری زیادی را بارور می سازد. اثر دیگر این انحراف «رفتار گروه را به طور ذاتی اخلاقی دانستن» است. باوری که گروه را به نادیده انگاشتن مضامین اخلاقی ترغیب می نماید. سه دیگر «دلیل تراشی» اعضای گروه است بدین ترتیب که از مفروضات مورد علاقه خود در هر وضعیتی حمایت می کنند. و همچنین دیدگاه کلیشه ای از مخالفین خود یافتن که موجب دست کم گرفتن و ناتوان دیدن آنان می شود. و خود سانسوری گروهی که بحث جدی در باره مسائلی که گروه با آن مواجه است را در نطفه خفه می کند. دیگر اینکه «پندار یکدلی» گروه را در بر می گیرد به گونه ای که سکوت برخی از اعضا را به معنی رضایت خاطر آنان تعبیر و تفسیر می نمایند و اگر کسی نظر مخالفی در گروه بدهد وفاداریش زیر سؤال رفته و به خیانت نسبت به گروه متهم می شود. و سرانجام افراد گروه حاضر به شنیدن اطلاعات ناسازگار با باورهای خود نخواهند بود. این آثار تصمیم گیری گروهی را با نقصانهای چندی مواجه می سازد که عبارتند از:

- ۱- گزینه های محدودی را مورد بررسی قرار می دهند؛
 - ۲- گزینه های ترجیحی خود را مورد تجدید نظر قرار نمی دهند؛
 - ۳- گزینه های مطرود خود را مورد تجدید نظر قرار نمی دهند؛
 - ۴- رأی و نظر کارشناسان را رد می نمایند؛
 - ۵- نسبت به اطلاعات جدید تعصب نشان داده و تنها اطلاعات سازگار و مؤید نظر خود را برمیگزینند و هیچگونه برنامه اقتضایی نیز ارائه نمی دهند.
- برخی از نظریه پردازان پیشگیری از پیدایش «گروه اندیشی» را بهتر از درمان آن می دانند و شاخصهای بازدارنده چندی را توصیه می نمایند:
- ۱- به هر یک از اعضای گروه نقش نقادی آگاهانه داده شود تا افراد اعتراضها و شکهای خود را اظهار دارند.
 - ۲- گروه های گوناگون با رهبران متفاوت، خط مشی یا تصمیم واحدی را مورد بررسی قرار دهند.
 - ۳- برای بررسی کارشناسانه مسائل کمیته های فرعی تشکیل شود و از نظر و رأی خبرگان خارج از گروه نیز کمک گرفته شود تا دیدگاه های تازه به گروه ارائه شود.
 - ۴- هنگام بحث و بررسی گزینه های عمده، به یکی از افراد نقش مخالف خوانی داده می شود چنین فردی تلاش می کند که هر عامل منفی قابل تصویری را بازگو نماید.
 - ۵- هنگامی که در زمینه ای اجماع نظر حاصل شود باید هر یک از افراد تشویق شوند تا در موضع خود دوباره بیندیشند و خدشه ای نیز وجود نداشته باشد.

دکتر علی رضائیان